

مطبوعات دولتی ایران

در عصر قاجار

جمشید کیانفر

در ۱۲۳۰ ق / ۱۸۱۵ م زمانی که عباس میرزا نایب‌السلطنه یک گروه پنج نفره را برای تحصیل در رشته‌های مختلف به اروپا فرستاد، خود نمی‌دانست که مایه چه تحول بزرگی در عرصه خدمات فرهنگی خواهد شد. گرچه عباس میرزا این گروه پنج نفره را به نیت فراگیری علوم و فنون و دانش نظامی روز اروپا به انگلستان اعزام کرده بود ولی هرگز تصور نمی‌برد که یک نفر این گروه وراثی آنچه که می‌بایست بیاموزد، آموخته و به همراه خود تکنولوژی چاپ را به ایران بیاورد.

او کسی جز میرزا صالح شیرازی فرزند حاج باقر کازرونی نبود. میرزا صالح قرار بود در انگلستان در حد مقدور زبانهای اروپائی را بیاموزد و در بازگشت به ایران در زمینه دانش آموخته‌اش به کاری گماشته شود. وی در مدت اقامت خود در انگلستان افزون بر فراگیری زبان انگلیسی، فرانسه و لاتین، فنون چاپ، تهیه حروف و حکاکی و شیوه ساخت مرکب چاپ را فرا گرفت و در زمینه روزنامه‌نگاری نیز مطالعه و تحقیق کرد و در بازگشت به ایران چاپخانه‌ای به همراه آورد.

روزنامه‌نگاری در ایران با ظهور کاغذ اخبار به همت میرزا صالح شیرازی از ۱۲۵۳ ق پا گرفت، وی که از نخستین تحصیل کردگان ایرانی در فرنگ بود و در آن ایام وزارت تهران داشت به شیوه اروپائیان اقدام به انتشار نشریه‌ای که عنوان کاغذ اخبار داشت و ترجمه نخست لفظی □□□□□□ و قریب به سه سال به صورت ماهانه در یک برگ تا شده که یک روی آن سفید بود در دو صفحه: صفحه اول (دست راست) حاوی «اخبار شرقیه» و صفحه دوم (دست چپ) حاوی «اخبار غربیه» بود.

امروزه شماره‌های آن نایاب و کمیاست و جسته و گریخته اخباری در لابلای متون و نوشته‌های پژوهشگران به چشم می‌خورد و تنها اعلان «طلیعه» انتشار کاغذ اخبار در مجله وزین یادگار برای پژوهشگران به یادگار مانده است.

میرزا صالح شیرازی ظاهراً در ۱۲۵۶ ق از وزارت تهران خلع و انتشار روزنامه نیز در عهده تعویق افتاد تا صدارت میرزا تقی‌خان امیرکبیر (۱۲۶۴ - ۱۲۶۷ ق) وقفه در انتشار نشریه رسمی یا نیمه رسمی در ایران به وجود آمد.

در زمان سلطنت ناصرالدین شاه به همت میرزا تقی‌خان امیرکبیر نخستین روزنامه رسمی دولتی به هزینه دولت ایران با عنوان وقایع اتفاقیه منتشر شد که تداوم آن تا سال ۱۳۲۶ ق با عناوین متفاوت انتشار یافت.

روزنامه‌های منتشره در عصر قاجار تا انقلاب مشروطه را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. روزنامه‌های چاپ شده در تهران

۲. روزنامه‌های چاپ شده در ایالات و ولایات

۳. روزنامه‌های چاپ شده در خارج از کشور

از میان سه دسته روزنامه ذکر شده به دسته اول از روزنامه‌های چاپ تهران که عمدتاً دولتی بوده و به هزینه دولت چاپ و نشر می‌یافته اشاره شده و سپس به شرح مختصر ده عنوان از این روزنامه‌ها که جنبه رسمی داشته می‌پردازیم.

۱. کاغذ اخبار (۲۵ محرم ۱۲۵۳ ق / طلعه انتشار عشر آخر رمضان ۱۲۵۲).

۲. روزنامه وقایع اتفاقیه (۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ ق - ۲۸ محرم ۱۲۷۷ ق) اولین شماره بی‌نام و آخرین شماره با عنوان وقایع اتفاقیه و مصور.

۳. روزنامه دولت علیه ایران (۱۹ صفر ۱۲۷۷ ق در توالی شماره مسلسل روزنامه وقایع‌اتفاقیه به شماره ۴۷۲ - ۵ ربیع‌الثانی ۱۲۸۳ به شماره ۵۹۲ (مصور) و بار دیگر از ۲ ذی‌قعدة ۱۲۸۶ به شماره ۶۳۹ - ۶۵۰ به تاریخ ۱۰ ذی حجه ۱۲۸۷ ق).

۴. روزنامه دولتی (۲ جمادی الاولی ۱۲۸۳ ق به شماره ۵۹۳ در توالی شماره مسلسل روزنامه دولت علیه ایران - سیم شوال ۱۲۸۶ به شماره ۶۳۸).

همزمان:

۵. روزنامه علمی / روزنامه علمیه دولت علیه ایران / علمیه (نخستین نشریه سه زبانه فارسی، عربی، فرانسه) از ۱۲۸۰ - ۱۲۸۱ ق در سال ۱۲۸۲ ق وقفه در

انتشار و مجدداً از اول محرم ۱۲۸۳ - اول شوال ۱۲۸۷ مجموعاً ۵۳ شماره.

۶. روزنامه ملت سینه ایران / روزنامه ملتی (۱۵ محرم ۱۲۸۳ ق در پنج صفحه (وقفه دو ماهه) سپس از ۱۴ ربیع‌الاول ۱۲۸۳ - ۲۰ جمادی الآخر ۱۲۸۷ ق مجموعاً ۳۶ شماره).

پس از تعطیلی سه نشریه دولتی با تغییر نام مجدد به روزنامه دولت علیه ایران، روزنامه علمیه ایران و **روزنامه ملتی:**

۷. روزنامه ایران (۱۱ محرم ۱۲۸۸ - ۱۹ ذی حجه ۱۳۲۰، جمعاً ۱۰۳۲ شماره که از ۱۲۸۸ - ۱۳۱۳ قریب به ۲۶ مدیریت روزنامه با محمد حسن خان

اعتمادالسلطنه بود و از ۱۳۱۳ - ۱۳۲۰ به مدیریت محمدباقر خان اعتمادالسلطنه، بار دیگر از ۶ رمضان (۱۳۲۳ - اول ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ ق).

۸. روزنامه اطلاع (ارگان نیمه رسمی دولت ایران از ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۲۹۵ - ۱۳۲۶ ق).

۹. دانش (۲۳ رجب ۱۲۹۹ - ۱۶ صفر ۱۳۰۰ ق نشریه علمی دارالفنون). با حیات شش ماهه مجموعاً ۱۴ شماره

۱۰. شرف (اول محرم ۱۳۰۰ - ۱۳۰۹ ق جمعاً ۸۷ شماره، ماهی یک شماره و دومین نشریه مصور که قریب به ده سال نشر آن ادامه داشت).

۱۱. روزنامه وقایع عدلیه (از ۱۲۸۱ یا ۱۲۸۲ توسط میرزا حسین خان سپهسالار در ایامی که وزارت عدلیه داشت).

روزنامه‌های در سفر

افزون بر روزنامه‌های یاد شده سه عنوان نشریه نیز توسط محمد حسین خان اعتمادالسلطنه در دوره نامه‌ی منتشر می‌شد که به روزنامه‌های در سفر باید از آنها یاد کرد.

۱۲. مرآت السفر (اول ربیع‌الاول ۱۲۸۸ - ربیع‌الثانی ۱۲۸۸ جمعاً ۱۳ شماره که از شماره ۳ به بعد با عنوان مرآت السفر و مشکوة الحضر منتشر می‌شد).

۱۳. اردوی همایون (۱۱ شعبان ۱۳۰۰ - ۱۲ ذی حجه ۱۳۰۰ جمعاً ۱۲ شماره که نخستین شماره در دماوند و آخرین شماره به هنگام رسیدن شاه از سفر به تهران در این شهر منتشر شد و مربوط به سفر دوم ناصرالدین شاه به خراسان است و ذکاءالملک در نوشتن روزنامه همچون روزنامه‌های ایران، اطلاع با اعتماد السلطنه همکاری داشت و کتابت روزنامه به خط محمدرضا کلهر است).

۱۴. اردوی همایون روزنامه دیگری که در ایام سفر منتشر می‌شد. لازم به ذکر است منابع مقاله حاضر بازچاپ روزنامه‌های یاد شده است که خوشبختانه همه روزنامه‌های معرفی شده در این مقاله همگی بعد از انقلاب باز چاپ شده‌اند. برخی از نشریات به همت دوست فاضل ارجمند آقای سید فرید قاسمی بوده و برخی دیگر به همت سازمان کتابخانه ملی ایران.

اینک از میان روزنامه‌های یاد شده به شرح ده روزنامه که جنبه رسمی دولتی داشته‌اند پرداخته می‌شود.

۱- روزنامه وقایع اتفاقیه

سال ۱۲۶۴ ق / ۱۸۴۸ م مصادف با مرگ محمد شاه قاجار و جلوس ناصرالدین میرزا بر تخت سلطنت ایران، آغاز سلطنت وی مصادف با اوضاع آشفته ایران بود و در هرگوشه از این سرزمین یکی علم طغیان برافراشته و آتش کین برافروخته بود، مدیری شایسته لازم بود تا این شورشها را فرو نشانند، از بخت خوش ناصرالدین شاه، میرزا تقی‌خان امیر نظام مرد میدان که بعد از احراز منصب صدارت عظمی که به امیرکبیر ملقب شده بود، شورشها را فرو نشانند. امیرکبیر پس از فرو نشانیدن شورشها، دست به اصطلاحات و اقدامات چندی زد، از جمله این اقدامات انتشار روزنامه‌ای با عنوان «روزنامه وقایع اتفاقیه» بود، این روزنامه نخستین روزنامه رسمی کشور و دومین روزنامه به زبان فارسی و سومین روزنامه در تاریخ جراید و مطبوعات ایران است.

نخستین روزنامه به زبان فارسی کاغذ اخبار بود که به همت میرزا صالح شیرازی در ایام سلطنت محمدشاه قاجار، زمانی که میرزا صالح وزارت تهران داشت (۱۲۵۳ ق) آن را در دو صفحه در تهران منتشر می‌کرد.

دومین روزنامه در ایران روزنامه زاریر باهرا (شعاع روشنایی) بود که توسط مبلغان مذهبی آمریکا در شهر ارومیه منتشر می‌شد. اولین شماره شعاع روشنایی در ۲۷ صفر ۱۲۶۷ ق / اول ژانویه ۱۸۵۱ م روز چهارشنبه به زبان کلدانی و به صورت ماهانه انتشار یافت. مطالب این روزنامه دینی بود و انتشار آن بیش از هشتاد سال دوام یافت.

سومین روزنامه و نخستین روزنامه رسمی دولت ایران روزنامه وقایع اتفاقیه بود که اولین شماره آن روز جمعه پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۷ ق قریب به دو ماه پس از نشر شعاع روشنائی انتشار آن شروع شد. نخستین شماره روزنامه وقایع اتفاقیه عنوان خاصی نداشت و از شماره دوم به بعد روزنامه وقایع اتفاقیه نامیده شد. گروهی از پژوهشگران عنوان اولین شماره این نشریه را برگرفته از عنوانی می‌دانند که در ذیل تصویر صفحه اول «روزنامه‌چۀ اخبار دارالخلافتۀ طهران» آمده است.

روزنامه وقایع اتفاقیه تا شماره شانزدهم (۲۱ رجب ۱۲۷۶ ق) روزهای جمعه منتشر می‌شد و از آن پس روزهای پنجشنبه انتشار یافت.

این روزنامه به دستور میرزا تقی‌خان امیرکبیر و زیر نظر او منتشر می‌شد و حتی برخی از اخبار داخلی را خود او می‌نوشت. مدیریت روزنامه را حاجی میرزا جبار تذکره‌چی - ناظم المهام بعد - بر عهده داشت و مترجمی روزنامه با ادوارد برجیس انگلیسی بود. محرر روزنامه میرزا عبدالله نام داشت که به خط خوش نستعلیق می‌نوشت و در چاپخانه حاجی عبدالمحمد واقع در دروازه دولا به چاپ می‌رسید و از شماره ۹۹ در مطبعۀ دارالخلافتۀ طهران چاپ می‌شد.

از روزنامه وقایع اتفاقیه مجموعاً ۴۷۱ شماره انتشار یافته و از شماره ۴۷۲ عنوان روزنامه به روزنامه دولت علیۀ ایران تغییر نام یافت و شماره ۴۷۱ آن همچون شماره نخست بی‌نام است.

از مجموع ۴۷۱ شماره، ۴۰ شماره در عهد صدارت امیرکبیر انتشار یافت و انتشار شماره ۴۱ (پنجشنبه ۲۶ محرم الحرام ۱۲۶۸ ق) فرمان عزل امیرکبیر و انتصاب میرزا آقاخان نوری ملقب به اعتمادالدوله به صدارت را در برداشت. در همین شماره خبر استخدام معلمین دارالفنون و آمدن ایشان به تهران را نیز نوشته بودند و در شماره ۵۰ (پنجشنبه ۲۶ ربیع‌الاول ۱۲۶۸) خبرناخوشی امیرکبیر - خبری که جعلی بود و حکایت از دسیسه و توطئه برای از بین بردن وی می‌کرد - و در شماره ۵۲ (پنجشنبه ۷ ربیع‌الثانی) خبر درگذشت امیرکبیر را بدین شرح نگاشته بود:

«میرزا تقی خان که سابقاً امیر نظام و شخص اول دولت بود در شب هجدهم ماه ربیع‌الاول در کاشان وفات یافته است».

با توجه به قتل امیرکبیر و درج خبر درگذشت او در ۱۸ ربیع‌الاول به خوبی معلوم می‌شود که پس از آنکه امیرکبیر را به قتل رساندند چگونه در صدد توجیه مرگ او برآمده و اخبار را چگونه درج کرده‌اند، خبری که همه می‌دانستند جعلی است.

قیمت هر شماره از روزنامه «ده شاهی» بود وجه اشتراک سالانه آن «۲۴ قران» و هر یک از امنای دولت که درآمدش به «۲۰۰ تومان» می‌رسید، موظف بود سالانه «دو تومان و چهار هزار دینار» بهای روزنامه را بپردازد و مشترک شود، به همین دلیل اکثر حکام ولایات و متمولین از روزنامه به زورنامه یاد می‌کردند. روزنامه هر هفته روزهای جمعه توسط چاپار / پست به ولایات ارسال می‌شد و بهای شماره بعدی دریافت و به ادوارد برجیس پرداخت می‌گردید.

مطالب روزنامه غالباً «اخبار دارالخلافتۀ، اخبار سایر بلاد ممالک ایران / سایر بلاد محروسه»، اخبار احوالات دول خارجه، احوالات متفرقه و اعلانات» بود.

اخبار دارالخلافتۀ: شامل اخبار مربوط به شاه و دربار، سفرهای شاهانه «اردوی همایون»، شکارهای شاهانه، دید و بازدیدهای شاهانه از مؤسسات و اشخاص درباری، اخبار دولت، اعطای القاب و مناصب و خلعت، صدور فرامین، اخبار حوادث شهری، افواج یا «امورات قشونی»، امور تجاری «مال فرنگ و هندوستان»، عزل و نصب حکام، اخبار کلی کشور (سیل، زلزله، شیوع بیماری) و تسعیر اجناس دارالخلافتۀ.

اخبار بلاد محروسه: در هر شماره اخبار مربوط به دو و سه یا چند ایالت و ولایت شامل اخذ مالیات، انصاف و عدل حاکم، امنیت راهها و اخباری در باب معجزات و شفا یافتن بیماران در اماکن مقدسه و امامزاده‌ها، تولد موجودات عجیب الخلقه. این اخبار معمولاً توسط حکام یا اعمال دولتی در قلمرو آنها تهیه و به ارسال روزنامه



روزنامه مراتب لفر

چاکر دولت جاوید بسپان روزنامه بخاریان شود و نوشته کان روزنامه بسپان که از آغاز سال سعادت خال هزاره دوست مشتاد دست جری
و بعد از حسیع اخبار طایفه و فاسات شکار با می شند و آنه وقایع حالات و بیان حالات مخصوصه و روز با انعام صادرات شکار و که در شریک
و کارش بعضی اخبار شفرقه دیگر با سپاس طایفه که در روز و با دستر است طایفه شایسته با جان و در کان ملک فیردزی که کبک شایسته و نیز کبک
ایلی دارا خلایقه حاضر و سپاس بخان که ایل و خواستار باشد بعضی اطلاع داده خواهد شد و چون این روزنامه بنایده و وقایع پسند و شکار شایسته
اسلام شکار بود از امرات لفر نام نهادیم

ار دوی هالون صبح یکشنبه فریاد اول علیحضرت شایسته با بدرد حفظ و عون آتشی رسیده است از دست که شسته از دولت بزم شریف
سلطنت با و کجا لکه نشسته شایسته هزاره عظم امیر کبیر پسر سلطنت احمد سلطنت حاتم سلطنت دوزار و پیش نظام الملک و غیره طرم رکابان
بروند و فوج و لشکر لایقانی بسپان که بیاضی مان سر در خارج در دوازده دولت نصره الله و از ارباب حضور مبارک که بنایده موقع قبول
یافت توار و فوریت بکلیه با اتفاق حاتم سلطنت امور خدمت فرماتند لجام نظرات در رسیدتجه و شایسته را و قصر قاجار حاتم سلطنت و سلطنت
بجایات شایسته شفرقه سرود از قصر قاجار با سلطنت آبان بد و دهگاه روزنامه طایفه و رخ را مروض ای و بنیای قیاس منور و بیعت
از دست گذشته ساعت سلطنت با و عمل نزول احوال گردید پس از صرف نهار و شجاعت و عرافت دولت نور قاجار حاضر مبارک که گذشت
— تمام وقت عصر حاضر مبارک را بخاندان عرافین مطالب قلمه و زاده نوشتن جواب آنها مشغول شده بودند

رود و شنبه دوم در سلطنت با و وقت فرمود برای اجرای بعضی و امر علیه و زراعت و عارفه و شیر اند و لکام حضار شرف بخدمت ریخته شد
با صنایع و امر مایونی عارفین با و کرب و بدستگیر لکام نیز حاضر شده فرمایشهای ملک از راجع با و در خانه عامره و دود و وانی شرف
نفاذ یافت شایسته هزاره عظم امیر کبیر نیز شرف قیاب حضور مبارک شده و حضور نیز در بشیر معاد و دست نمود و نصره الله و برای عرض بعضی شرف
شدنی حضور آمد نوشتجات امیر و غیره را عرض سازه بشیر معاد و دست کرد و آنحضرت نیز شرف قیاب حضور اوقاب طبرکات بعد از وقت بین
دوازده و غیره و جد مایونی بلاخط بعضی نوشتجات ساره و صد و احکام مشغول شده قدری استراحت در نمود و چهار باشی و قیارات لایقانه بنایده
فرمایشات علیه اصل یافت که عمارات دولتی را متعلقه در بنایت استخوان با انجام رسانند

سه شنبه سوم مخصوصت مایونی رسیده است از طایفه کشته بزم شریف و مایونی که در روز و خانه جاج و که اول منزل اردوی شکران است
سوار شده حاتم سلطنت و ای خراسان که در این روز و به بکمران است و بنایده شرف قیاب شد و با صنایع فرمایشات ملک که متصرف نظام

اخبار دول خارجه شامل: خبرهایی از کشور انگلیس، روس، فرانسه، آستریه / اتریش، ایتالیا، پورتوقال، عثمانی، هند و سایر ممالک اروپا. این اخبار توسط ادوار برجیس از روزنامه‌های اروپایی به ویژه انگلیسی و بعضاً توسط دیگران از روزنامه‌های ترکی چاپ استانبول ترجمه می‌شد. اخبار ترجمه شده توسط «برجیس صاحب» به دست یکی دو تن - به اصطلاح امروز - ویراستاری و به اصطلاح آن زمان به الفاظ ادبی فارسی پیراسته می‌شد. اخبار ترجمه شده در عین حال مختصر و برای مردم آن روزگار از حیث اطلاع بر اوضاع کشورهای خارج بسیار مفید بوده است.

این روزنامه چنانکه متذکر شد مخصوص درج انتشار اخبار دربار، دارالخلافه و شهرهای دیگر ایران و مختصری از اخبار ممالک خارجه بوده و در طول انتشار مقاله سیاسی، ادبی و تاریخی کمتر در آن دیده می‌شود. گاهی به هنگام بروز اختلاف با دولت انگلیس - بر سر مساله هرات - روزنامه بیانیه‌ها و مقالات تندی در مخالفت با دولت انگلیس به چاپ می‌رسانده و گاه این مقالات در هندوستان تأثیر بسزایی به زبان کمپانی انگلیس به جای می‌گذاشت. با وجود این روزنامه وقایع اتفاقیه در حال حاضر یکی از منابع مهم تحقیقی در زمینه تاریخ ایران - دوره سلطنت ناصرالدین شاه - جغرافیا، تقسیمات کشوری، اقتصاد عصر قاجار، روابط سیاسی، اعتقادات مردم ایران، آداب و رسوم و سنن ایرانی و اسلامی، حوادث و بلایای طبیعی، امراض متداول در عصر قاجار محسوب می‌شود و هر محققى در امر تحقیق خود را بی‌نیاز از مراجعه بدان نمی‌داند.

نثر روزنامه اندکی از نثر نوشته‌های زمان خود بهتر است، گاه عبارات به مقتضای زمانه پر از تملقات و اغراقهای بی‌جاست. در بخش اخبار دول خارجه و «احوالات متفرقه» مطالب به دلیل ترجمه بودن، گاهی تحت اللفظی است و گاه حتی مفاد و معنایی ندارد.

روزنامه وقایع اتفاقیه به طور مرتب و منظم و بدون تأخیر انتشار می‌یافت و مجموعاً ۴۷۱ شماره منتشر شده از آن از قرار هر هفته یک شماره و در هر ماه چهار شماره و در سال ۴۸ شماره با توجه به تاریخ نشر اولین شماره آن - یوم جمعه پنجم شهر ربیع‌الثانی ایت نیل سنه ۱۲۶۷ ق - و آخرین شماره ۴۷۱ - یوم پنجشنبه بیست و ششم محرم الحرام مطابق سال پیچی نیل سنه ۱۲۷۷ ق - ده سال ادامه داشت و هیچ وقفه‌ای در نشر آن راه نیافت، تنها تعداد صفحات روزنامه به تناسب اخبار رسیده به دفتر روزنامه بین چهار تا دوازده صفحه متغیر بوده است. بیشتر شماره‌های روزنامه بین شش تا هشت صفحه است.

(باز چاپ در ۴ جلد توسط کتابخانه ملی ایران با مقدمه شادوران دکتر اسماعیل رضوانی)

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم چشنبه هجری قمری ۱۲۹۷ سال تسکون سال

قیمت اعلامیات
یک خط چهار خط که در بنابر
سطری پنج شاهی
قیمت روزنامه
یک خط و پنج سالیانه بیست و پنج



فرهنگی و یکم
هر کس در طهران طالب نشو
ازین روزنامه باشد
بازار در دکان برسد کاظم
بلور فروش فرخنده شود

احبار داخله مالک محمود پادشاه

ارووی سمایون

موافق خبر آخر که از اصفهان آمد علیحضرت پادشاهی در روز
چشنبه آخر ماه شوال از آنجا سبب طهران حرکت فرموده اند و
مردمان طهران و کاشان و قم تشرف فرمای دارالخلافه میشوند
و نیز از اصفهان نوشته بود که در آخر ماه شوال که مادر آنجا
شدت داشته است مانند اواسط ماه رمضان المبارک آنجا
نسبت آن اوقات تنگ بوده و گراچند شدت
دارالخلافه طهران

دیروز گذشته که یوم چهارشنبه ششم این ماه بود جناب عالی
وزیر محتار دولت بهتدروس با صاحب منصبان سفارتخانه
دار عمارت خود که در نزدیکی قریه رزکند شتران است شدند
و چون که هنوز در وسط روز شهر طهران قدری کم است موافق فائده
که دارند تا یکجا با چهل روز دیگر در آنجا توقف خواهند نمود
در روزنامه هفت گزشتن نوشته شده بود که آب که فرار کرد
بود که ده روز بگذرد روز بهر طهران بیاید در ماه گذشته شوال
بآن فراریاده بود و لکن درین هفت آب جاری فرادان بشهر
آوردند که اغلب محله های بالای شهر سیراب شده و آنچه
روز دیگر به کل شهر خواهد رسید در دارالخلافه طهران نسبت
بسیار پای تحت ای روی زمین آب جاری بسیار است و لکن آبر
بطوریکه پاک باشد و کیف نشود نگاه میدارند در اکثر شهر
نهار و پوسیده است و ممکن نیست که بگذارند در میان آبی
که نگاه میدارند چیزی بشویند در قدیم در شهر لندن بایست
انگلیس آب ایمان شهر در میان کنده درختهای بزرگ که سبیل
قبو شسته بچاق کرده بودند می آوردند حال که چون در دولت
انگلیس از آن شده است این قبو شمار از چون می سازند
و در میان هر خانه لوله از سر تا شیر که استند که آبی
که لازم دارند از آنجا می کشند اما آب جاری شهر لندن
نسبت به آب جاری شهر طهران بسیار کمتر است که آب روان
طهرس که آنهم به جهت کثرت غلظت کیفیت و شربت نیست است
که در طهران نمی شود مانند شهرهای فرنگستان راه آبر بسیارند
و لکن میشد با ساروج سر پوشیده نمایند و اگر این قریه را بسیار
مخفی خواهد داشت و اغلب ناخوشیه که از غلظت و کثافت آب میخوردند

۲- روزنامه دولت علیه ایران

نخستین روزنامه مصور به مدیریت میرزا ابوالحسن خان صنیع‌الملک غفاری در ۵ صفر ۱۲۷۷ ه. ق. جایگزین روزنامه وقایع اتفاقیه شد، روزنامه مذکور به توالی شماره مسلسل روزنامه وقایع اتفاقیه چاپ شد بدین صورت که از روزنامه یاد شده ۴۷۰ شماره (۲۱ محرم ۱۲۷۷) منتشر شد و شماره ۴۷۱ آن با عنوان «روزنامه وقایع» به چاپ رسید (۲۸ محرم ۱۲۷۷) و از شماره ۴۷۲ عنوان روزنامه به روزنامه دولت علیه ایران تغییر یافت. (۱۹ صفر ۱۲۷۷)

مدیریت روزنامه دولت علیه ایران با میرزا ابوالحسن خان صنیع‌الملک بود که سال‌ها در اروپا در رشته نقاشی تحصیل کرده و علاوه بر تکمیل رشته نقاشی در امور چاپ لیتوگرافی (چاپ سنگی) نیز تحصیل کرده بود و اطلاعات مفیدی با خود به ایران آورد و پس از بازگشت به ایران در ۱۲۷۷ ه. ق. ریاست دارالطباعه و اداره امور چاپ و انتشار «روزنامه وقایع اتفاقیه» بدو واگذار شد و از این رو نام روزنامه را تغییر داده و با عنوان جدید و البته مصور به چاپ روزنامه پرداخت. و در هر شماره تصویری از شاه، رجال و شخصیت‌های درباری و سیاسی و ابنیه و مناظر تهران و بعضی از وقایع و اتفاقات را نقاشی و چاپ می‌کرد. اولین شماره روزنامه دولت علیه ایران (ش ۴۷۲) تصویر «صورت سلام حضور مبارک اقدس» در عمارت نیاوران، شاهزاده نصرت‌الدوله (حاکم طهران) و تصویر ابوالحسن خان نقاشباشی که در ذیل آن عکسی از دستگاه چاپ لیتوگرافی است را به قلم خود او به ارمغان داشت و در همان شماره (پنج‌شنبه ۱۹ صفر ۱۲۷۷ ه. ق.) درباره او چنین آمده است:

«چون میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی، در فن نقاشی مهارت کامل حاصل کرده لیاقت و قابلیت خود را در حضور ظهور همایون بدرجه شهود و وضوح رسانده، خاصه در باسمه تصویر [چاپ تصویر] که از جمله فنون معظمه و امور معضله است مهارت دارد رای جان آرای همایون شاهنشاهی علاقه یافت که این فن بدیع شریف نیز در ایران معمول و زیاد شود، لهذا خدمت طبع روزنامه دارالخلافه را بعهده او محول و مرجوع فرمودند که به اقتضای موقع در هر روزنامه چند مجلس تصویر چاپ شود چنانکه در روزنامه هفته گذشته و این هفته معلوم می‌شود و فرمان همایون شرف اصدار یافته در حق او خلعت مرحمت گردید.»

صنیع‌الملک یا نقاشباشی با تغییر در کیفیت چاپ و قطع روزنامه غالباً در هفت صفحه و گاه تا ۱۲ صفحه مجموعاً ۱۲۲ شماره (از شماره ۴۷۱ - ۵۹۲) به تاریخ (پنج‌شنبه ۵ صفر ۱۲۷۷ لغایت پنجم شهر ربیع‌الثانی ۱۲۸۳ ه. ق.) منتشر کرد.

ناصرالدین در سال ۱۲۸۳ تصمیم گرفت که به جای یک روزنامه ۴ روزنامه در هر ماه منتشر شود و فرمان آن در شماره ۵۹۱ (پنج‌شنبه ششم ربیع‌الاول ۱۲۸۳ ه. ق.) چاپ شد. در این فرمان مدیریت روزنامه با اعتضادالسلطنه وزیر علوم بود و صنیع‌الملک از جانب وزیر علوم نایب و مسؤول بود، قرار شد روزنامه دولت علیه ایران با عنوان روزنامه دولتی مصور به حیات خود ادامه دهد، اما با درگذشت صنیع‌الملک انتشار چنین روزنامه‌ای صورت نگرفت، گرچه روزنامه دولتی (۵۹۳ - ۶۳۸) بدون تصویر - البته دو شماره‌اش مصور است (ش ۵۹۶، ۵۹۹) - و از شماره ۶۳۹ - ۶۵۰ (پنج‌شنبه دوم ذی‌القعدة الحرام ۱۲۸۶ الی پنج‌شنبه دهم ذی‌حجة الحرام ۱۲۸۷ ه. ق.) منتشر گردید، ولی بار دیگر با عنوان روزنامه دولت علیه ایران منتشر شد.

از آغاز سال ۱۲۸۸ روزنامه ایران به مدیریت محمدحسن صنیع‌الدوله (اعتمادالسلطنه بود) بجای روزنامه دولت علیه ایران منتشر شد. روزنامه دولت علیه ایران از نظر محتوا همانند روزنامه وقایع اتفاقیه بود و نخست اخبار مربوط به تهران یعنی شاه و دربار و بعد از اخبار دارالخلافه (پایتخت) و قشون (سپاه) بعد از اخبار تهران، اخبار مربوط به ایالات و ولایات (استان و شهرستان)، اخبار خارجه (غالباً ترجمه از روزنامه‌های فرنگی)، گاه اعلان، در بعضی مواقع مثلاً ایام ماه مبارک رمضان نرخ رسمی اجناس را چاپ می‌کرد. به عبارت دیگر در کم و کیف محتوای روزنامه تغییری حاصل نشد و تنها شکل ظاهر روزنامه تغییر یافته و مصور بود. تغییر عمده‌ای که در مطالب روزنامه بوجود آمده از شماره ۶۲۸ (روزنامه دولتی) بود که ترجمه‌های محمد حسن خان آجودان و پیشخدمت خاصه (صنیع‌الدوله و اعتمادالسلطنه بعدی) بصورت پاورقی در روزنامه چاپ می‌شد و از شماره ۶۳۹ که روزنامه دولتی دیگر بار به روزنامه دولت علیه تغییر نام دارد در روزنامه نیز به چاپ می‌رسید.

و هم‌چنین اخبار مربوط به سفرهای ناصرالدین شاه به ایالات و ولایات و ایضاً شرح مفصل ورود ناصرالدین شاه به بغداد (سفر به عتبات عالیات) مراسم استقبال از شاه، دیدار با علما، تلگراف به پادشاه عثمانی و جوابیه او و ... (در شماره ۵۴۹) را چاپ کرده است.

(باز چاپ در ۲ مجلد توسط کتابخانه ملی ایران با مقدمه جلد اول: محمد رجبی و جمشید کیان‌فر، جلد دوم: جمشید کیان‌فر)

روزنامه دولتی ایران

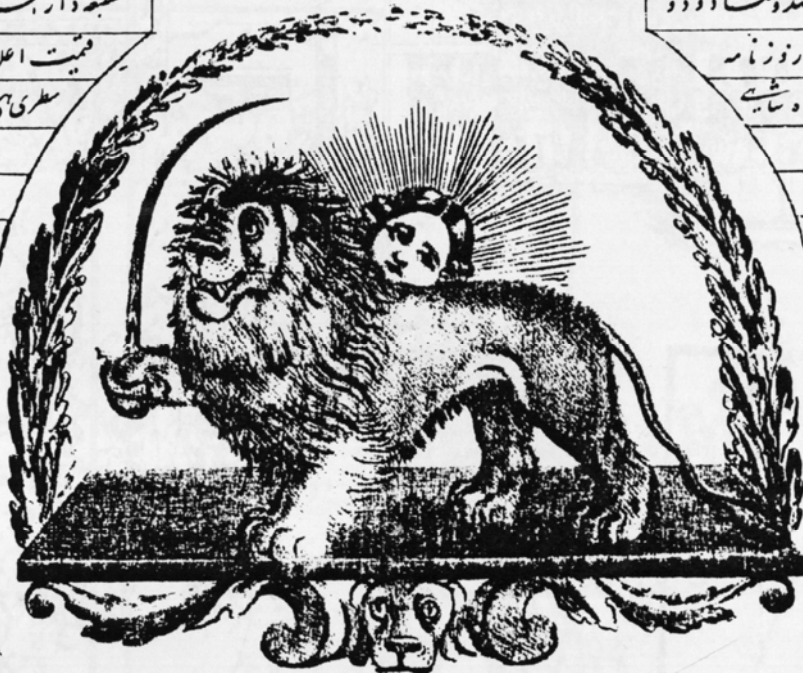
شماره ۲۲۴

۱۲۲۷

بیانچ یوم شنبه زدهم شهر صفر مطابقی سال سحی سنه

منطقه دار بخش تهران
قیمت اعلانات
سطری هشتای

نمره چهارصد و هشتاد و دو
قیمت روزنامه
نسخه دوازده شایه



اخبار داخله ممالک محروسه

نه الحمد و جود سعادت یون در کمال صحت و استقامت و بفروری و اقبال همه روزه در سلاق نیادران
شغول انتظام مهمات جنگی هستند در هفته قبل نوشته شده بود که پست دوم شهر محرم کتبیون بجهت تفریح و تغییر آب
و هوای شکار غایت سلاق آمده بودند و وزیر اصفی اقامت فرموده از آنجا بستییر لالا که از متعلقه است و با
و بسیار جای خوش آب و هواست تشریف فرما شده و سه شب هم در آنجا نزول اجلال داشته و بعد بقریه
او شان تشریف فرما گردیده و چهار شب هم در آن تسییر توقف فرمودند و در این هر سه مکان شکار چنان تیر
شکار جبره که داده و بدست مبارک شکارهای بسیار خوب گردانیده و اسطه صفا و هوای لطیفه تیرت جو مبارک
بسیار خوش گذشته چهارشنبه چهارم شهر صفر مطابقت عارت نیادران اقرین شرف است بسیار فرمودند و در ششم شهر ربو
که روز ولادت با سعادت حضرت شاهنشاهی است برای عموم مردم بزرگترین اعیاد است جشن موکانه ترتیب
داده در حضور مظهر طهور همایون انعقاد سلام و بارعام گردیده چسب اعیان دولت و ارکان محکمت شاهزادگان
عظام و وزرا و اکران سپاه و چاکران درگاه در کسالت عقبه بوسی را کرده زیارت حضور ساطع الو
همایون و استماع فرمایشات موکانه بهره و دوامید و اگر دیدن می یک تیرتوب بعد سال مبارک شیک نمودند

لا متعلقه جود سعادت یون در کمال صحت و استقامت و بفروری و اقبال همه روزه در سلاق نیادران

۳- روزنامه دولتی

در شماره ۵۹۱ روزنامه دولت علیه ایران خبری درج شده است و در آن از ظهور ۴ نشریه جدید خبر می‌داد که از این پس بجای روزنامه دولت علیه ایران منتشر خواهد شد متن خبر چنین بود:

«چون توجه ملوکانه در انتظام امور دولتی از هر جهت زیاده است در طبع روزنامجات که در اداره علوم است اهتمامی تمام فرمودند حکم قدر توأم به اعتضادالسلطنه وزیر علوم صادر شد که در هر ماهی چهار طغرا روزنامه از این قرار طبع شود و میرزا ابوالحسن خان صنیع‌الملک از جانب وزارت علوم نایب بوده:

اول: روزنامه دولتی بدون تصویر

دوم: روزنامه دولتی مصور

سوم: روزنامه ملتی که بطور آزادی نوشته می‌شود

چهارم: روزنامه علمی

(ش ۵۹۱، س ص، ۳ پنجشنبه ششم ربیع‌الاول مطابق سال بارس نیل ۱۲۸۳)

از شماره ۵۹۳ به تاریخ پنجشنبه سیم شهر جمادی‌الاولی ۱۲۸۳ هـ. ق. نام روزنامه دولت علیه ایران به روزنامه دولتی تغییر یافت و تا شماره ۶۳۸ به تاریخ پنجشنبه سیم شهر شوال المکرم سنه ۱۲۸۶ انتشار یافت و از شماره ۶۳۹ الی ۶۵۰ بار دیگر با عنوان روزنامه دولت علیه ایران نشر یافت.

روزنامه دولتی به طور نامرتب نشر می‌یافت چهار سال به حیات خود ادامه داد.

سال اول (۱۲۸۳) ۹ شماره (۵۹۳ - ۶۰۱) که شماره‌ای ۵۹۶ و ۵۹۹ آن مصور است.

سال دوم (۱۲۸۴) شانزده شماره (۶۰۲ - ۶۱۷)

سال سوم (۱۲۸۵) سیزده شماره (۶۱۸ - ۶۳۰) از شماره ۶۲۸ به دستور ناصرالدین شاه قرار شد که از ترجمه‌های محمدحسن خان پیشخدمت خاصه - صنیع‌الدوله و اعتمادالسلطنه بعد - در هر شماره از روزنامه چاپ شود. غالب این ترجمه‌ها شرح حال و سیاحت کسانی چون کریستف کلمب و آمریکووسپوس و ... بود.

سال چهارم: (۱۲۸۶) هشت شماره (۶۳۱ - ۶۳۸)

روال روزنامه دولتی همانند روزنامه دولت علیه ایران بوده و محتوای روزنامه به اخبار شاه و دربار، دارالخلافه (پایتخت)، ایالات و ولایات (استان‌ها و شهرستان‌ها) و ترجمه اخبار ممالک خارجه و گاهی اعلان اختصاص داشت.

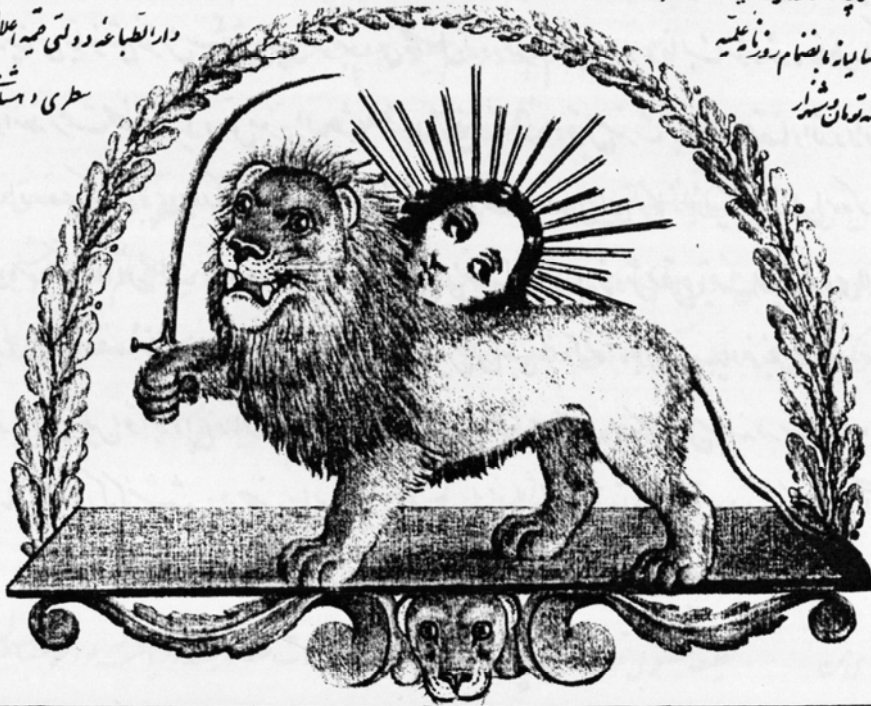
روزنامه دولتی مصور هرگز منتشر نشد و با وجود اینکه محققان و پژوهشگران همچون مرحوم صدر هاشمی، یحیی آریانپور و مجوبی اردکانی و ... انتشار روزنامه دولتی مصور را تا شماره (۶۶۸) مورخ هفتم شوال ۱۲۸۷ نگاشته‌اند که نمی‌تواند صحت داشته باشد.

(باز چاپ در مجموعه ۲ جلدی روزنامه دولت علیه ایران)

بتایخ یوم شنبه ششم شهر جمادی الاولی مطابق سال ۱۲۸۳

منطقه دار الخلافه طران در
دارالطباعة دولتی قیمة اعلان
سطری دشت

روزنامه دولتی قیمة روزنامه طران
سایه باضام روزنامه
سه تومان شش



آخبار درباری

معلق بوجود مسعودیون

بجاء الله تعالی وجود مسعودیون درین استقامت اعتدال سیاق شهر سائک نزول اجلال فرمودند و پوسته مطا
وعو ایض و زار تخانها در خاکهای مبارکه معروض و موقوف می باشد و جواب هر یک از مصدر خلاف کبری صادر و
دار الخلافه انفاذ میگرداند انکام توقف سیاق شهر سائک بوجود مسعودیون بسیار خوش گذشت است
دین سیاق که در فضل تابستان از خشی آب و هوا در کمال اختیار است یکماه چند روزی شیه توقف شد و در کجا
مبارکه اردوی محضری بود چرا که موقوف اردوی همایون در یک محل بود و بایحجت مقرر شده بود جمیعت کم در کجا
باشد و اردو همیشه پاک و تمیز باشد (بعضی اوقات هم بغیر شکار و تفرج موکب همایون با طراف نصبت و حرکت میبرد
و اخیر پیر آتاشی که هوای سیاقات رو با خلاف و بدی گذشته بود ای سردوزین گرفت موکب همایون در و شهر فرزند
بشهرانات رجعت فرمود) ملک آرا حاکم سابق برود که بدر بار همایون احضار شده بود در شهر سائک شرف نذر

۴- روزنامه ملت سنیۀ ایران / روزنامه ملتی

پس از صدور فرمان ناصرالدین شاه مبنی بر انتشار چهار روزنامه بجای روزنامه دولت علیه ایران نخستین شماره روزنامه ملت سنیۀ ایران در پانزدهم محرم ۱۲۸۳ در پنج صفحه به قیمت پنج شاهی منتشر شد. پس از انتشار اولین شماره یک وقفه دو ماهه در انتشار روزنامه به چشم می‌خورد و روزنامه مجدداً در تاریخ چهاردهم ربیع‌الاول ۱۲۸۳ دوباره تحت عنوان «ثمرۀ اول» در چهار صفحه با قیمت پانزده شاهی انتشار یافت. دومین شماره در تاریخ ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۲۸۳ با همان عنوان روزنامه ملت سینه ایران منتشر شد و از شماره سوم به بعد عنوان روزنامه به روزنامه ملتی تغییر یافت و از این شماره به بعد تا شماره ۳۴ که روز جمعه بیستم شهر جمادی‌الآخر ۱۲۸۷ به صورت نامرتب نشر یافت.

روزنامه ملتی نشریه‌ای ادبی - خبری بود و غالباً هر شماره آن اختصاص به درج شرح حال یکی از شعرای قدیم یا معاصر آن روزگار داشت. شماره ۲۱ نشریه دوباره به تاریخ‌های سوم ربیع‌الثانی ۱۲۸۵ قمری در پنج صفحه و بار دیگر در پنجم جمادی‌الاول ۱۲۸۵ مجدداً تحت نمره ۲۱ منتشر شد، و مطالب آن به کلی متفاوت از شماره قبلی است، بنابراین روزنامه ملتی در طول حیات نشر خود ۳۶ شماره منتشر کرده که شماره اول و ۲۱ آن هرکدام دوبار نشر یافته و برخی از پژوهشگران از جمله دوست فاضل ارجمند سیدفرید قاسمی معتقد است که هر دو شماره به احتمال قریب به یقین توقیف شده‌اند و مجدداً در ماه‌های بعد تحت همان شماره (= نمره) نشریه با مطالب دیگری نشر یافته است. گرچه در آغاز قرار بود که روزنامه ملتی بصورت آزاد منتشر شود، اما خبری از آزادی و آزادی بیان و قلم در آن نیست.

گردانندگان نشریه عبارت بودند از علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه مشهور به وزیر علوم که مسئولیت نشر روزنامه با او بود و افراد دیگری چون: حکیم سامانی، میرزا محرم یزدی، میرزا علی خان نائینی صفاءالسلطنه، مرتضی قلی خان، فرهاد میرزا معتمدالدوله، محسن میرزا میرآخور (این دو تن از شاهدگان با فضل قاجاریه بودند)، محمد حسن خان (اعتمادالسلطنه بعد)، مؤیدالدوله، عمادالدوله و حکیم‌الملک از جمله کسانی بودند که در نشر ۳۶ شماره از روزنامه ملت سینه ایران یا روزنامه ملتی با اعتضادالسلطنه همکاری نزدیک داشتند. (باز چاپ توسط آقای سید فرید قاسمی)

۵- روزنامه علمی / روزنامه علمیۀ دولت علیه ایران / علمیہ

نخستین نشریه ۳ زبانه (فارسی - عربی - فرانسوی) در ایران که اولین شماره آن در ۱۲۸۰ هـ. ق. به مدیریت علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه منتشر شد و قریب به دو سال ۱۷ شماره از آن نشر یافت و شماره هفدهم آن به تاریخ غرۀ ذیحجۀ الحرام ۱۲۸۱ بود. سال ۱۲۸۲ هـ. ق. سال وقفه در انتشار روزنامه است، اما پس از صدور فرمان ناصرالدین شاه مبنی بر انتشار چهار روزنامه (روزنامه دولتی مصور، روزنامه دولتی بدون مصور، روزنامه ملتی و روزنامه علمی) بار دیگر در تاریخ چهارشنبه غره شهر محرم الحرام ۱۲۸۳ به توالی شماره مسلسل قبلی یعنی شماره ۱۸ آن به شرحی که در صفحه اول آن آمده:

«چون مدت یکسال گذشت که به جهت موانع روزنامه علمیہ طبع نشده

مدتی در گفت اگر تأخیر شد مهلتی بایست تا خون شیر شد

در کرۀ ثانی از تاریخ غرۀ محرم الحرام ۱۲۸۳ که اول سال عربست ابتدا به نوشتن آن نمودیم « انتشار یافت.

پس از انتشار شماره ۴۲ (غرۀ جمادی‌الثانیہ ۱۲۸۵) از روزنامه تا تاریخ غرۀ محرم الحرام ۱۲۸۶ هـ. ق. تعطیل بود و در این تاریخ شماره ۴۳ آن نشر یافت از این نشریه سه زبانه مجموعاً ۵۳ شماره نشر یافته که آخرین شماره یعنی ۵۳ به تاریخ غره شوال المکرم ۱۲۸۷ هـ. ق. بود.

این نشریه همراه دو نشریه دیگر یعنی روزنامه ملتی و روزنامه دولتی - چند شماره آخر آن به نام روزنامه دولت علیه ایران منتشر شد - در اواخر سال ۱۲۸۷ هـ. ق. تعطیل و به جای این روزنامه‌ها، روزنامه جدیدی با عنوان ایران به مدیریت محمدحسن خان صنیع‌الدوله (اعتمادالسلطنه بعد) از آغاز سال ۱۲۸۸ با نیت هفته‌ای ۳ شماره در هر ماه ۱۲ شروع به کار کرد.

(باز چاپ توسط آقای سید فرید قاسمی)

روزنامه علمی و دولتی ایران

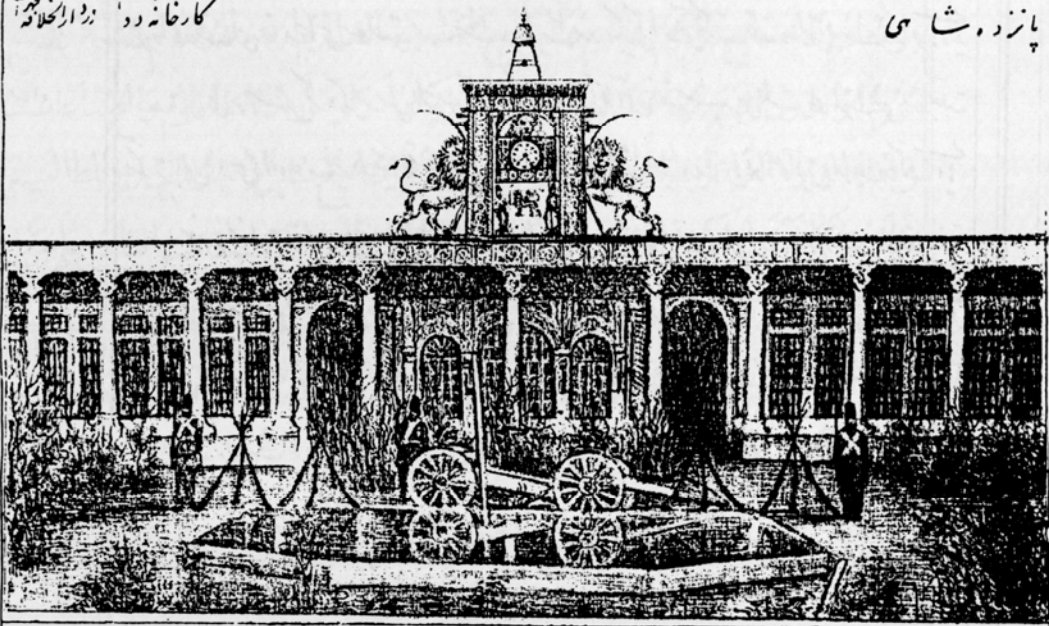
نمره اول

پارخ روز و شنبه بیست و هشتم دینی ماه مطابق ۲۸ سپتامبر ۱۳۰۵

نمره اول قیمت روزنامه نیمه

پانزده شاهی

سالیانه هشتاد و پنج ریال منطبقه
کارخانه دولتی در اصفهان



چون منظور نظر کیمیا اثر علم حضرت قدر قدرت قدس ظل الهی و بیعت کل ممالک محروسه ایران تربیت و ترقی
ملت و دولت و رواج علم و صنعت بسیاری از علوم و صنایع که در ازمنه پالافه در ایران بوده و یا
دولت از تحصیل و تحیل کرد و دنیا علم و صنعتی که درین دولت ابد مدت از دول خارج بایران نقل و تحویل شد
با سپار اخبار مفیده جدید و چنانکه باید بر مردم آشکار نیست برای استحضار عموم خلایق و اشرار علوم
که نواید بزرگ برادر مترتب است از جانب منی ابجانب شاهنشاهی حکم حکم قدر توام با عضا و ایلطنه وزیر
علوم و صنایع صادر گشت که روزنامه علمی در هر ماهی یک مرتبه به استیلا بطباع یابده مطالعه

کسبند کار از آن فایده و بهره کلی حاصل شود

علوم و صنایع هر وقتی از اوقات زمانی از ازمنه در یکی از اکنه عالم شیوع و رواج داشته بعد از
مدتی بکثرت دیگر نقل شده چنانکه آفرین اشراف و تحویل اصل او را عقیده آنکه علم را در اقطا عالم سیرت
مثل آنکه در تاریخ روپتیا از قول بطر کبیر نیز نقل شده که میکفت صنایع و علوم در دور دنیا سپر میکنند

۶- دانش

نخستین نشریه علمی دانشگاهی که به سال ۱۲۹۹ هـ. ق. در دارالفنون تهران نشر یافت و سومین نشریه علمی در تاریخ مطبوعات ایران است. این نشریه قیمت نداشت و به صورت مجانی میان استادان و شاگردان دارالفنون توزیع می‌شد و شماره‌هایی از آن نیز به ولایات و ایالات ایران می‌رفت که آن هم مجانی بود.

نخستین شماره آن در ۲۳ رجب ۱۲۹۹ ق و آخرین شماره آن در ۱۶۵ صفر ۱۳۰۰ ق نشر یافت و عمر این نشریه شش ماه بود و یکی از نفیس‌ترین نشریات علمی کشور بود چه از نظر محتوا و چه از نظر چاپ.

دانش زیر نظر علیقلی خان مجدالدوله نشر می‌یافت و دستیار او محمد کاظم بن احمد معلم شیمی دارالفنون بود و نویسندگانی که امضای آنان در ذیل مقاله‌ها مندرج است افزون بر محمد کاظم باید از حاج نجم‌الممالک، میرزا محمودخان و جعفرقلی‌خان نام برد. چاپ این نشریه در «دارالطباعه خاصه علمیه در مدرسه مبارکه دارالفنون» و اداره آن با میرزا عباس باسمةچی و نقاش بود.

هدف از انتشار دانش درج اخبار دارالفنون (شاگردان، معلمان ایرانی و فرنگی)؛ چاپ مقالات علمی و اخبار مربوط به وزارت علوم بوده است.

از این روزنامه ماهی دو شماره بطور مرتب نشر می‌یافت و در طول حیات شش ماهه مجموعاً ۱۴ شماره از آن انتشار یافت.

رساله مفتاح‌العلوم، به ترجمه جعفرقلی خان رئیس مدرسه مبارکه دارالفنون از شماره دوم به صورت پاورقی شروع و در هر شماره چاپ می‌شد و شماره ۱۴ با عبارت «بقیه در نمره آتیه» خبر از ناتمام ماندن رساله مذکور دارد و بنا به دلایلی که معلوم نیست نشریه تعطیل می‌شود.

(باز چاپ به همت آقای سید فرید قاسمی)

۷- ایران / روزنامه ایران (۱۲۸۸ - ۱۳۲۰ ق)

در سال ۱۲۸۸ هـ. ق ناصرالدین شاه تصمیم گرفت روزنامه‌های متعدد خود را تبدیل به یک روزنامه کند و به جای هفته‌ای یک شماره، سه شماره در هفته انتشار یابد و محمدحسن خان صنیع‌الدوله - اعتمادالسلطنه بعد - مأمورین این مهم گردید.

روزنامه ایران از یکشنبه یازدهم محرم‌الحرام ۱۲۸۸ تا ۱۹ ذیحجه ۱۳۲۰ ق مجموعاً در ۱۰۳۲ شماره منتشر شد، مدیریت روزنامه از نخستین شماره تا شماره ۸۷۹ با محمد حسن خان اعتمادالسلطنه بود و خبر مرگ او در شماره ۸۷۹ مندرج است، پس از مرگ او مدیریت روزنامه به برادر زاده‌اش محمدباقر خان که پس از مرگ عمویش ملقب به اعتمادالسلطنه شد، واگذار گردید و یک ماه پس از درگذشت محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در شماره ۸۸۱ خبر مرگ ناصرالدین شاه در روزنامه به چاپ رسید. مدیریت روزنامه تا شماره ۱۰۲۵ (یکشنبه ۲۹ شعبان ۱۳۲۰ ق) بر عهده محمدباقر خان بود و از شماره ۱۰۲۶ (سه‌شنبه ۱۵/ رمضان ۱۳۲۰ الی شماره ۱۰۳۲ (۱۹ ذیحجه ۱۳۲۰ ق) به عهده میرزا محمدخان ندیم‌السلطان ملقب به ندیم باشی سپرده شد. وی در آغاز سال ۱۳۲۱ ق عنوان روزنامه را به روزنامه ایران سلطانی تغییر داد (غرّه محرم الحرام سنه ۱۳۲۱ ق / ۳۱ مارس ۱۹۰۳ م). روزنامه ایران سلطانی قریب به دو سال و نیم به حیات خود ادامه داد و اواسط سال سوم مدیریت روزنامه بار دیگر به محمدباقر خان اعتمادالسلطنه واگذار گردید. وی عنوان روزنامه را از همان اواسط سال یعنی از شماره ۱۶ (۲۸ شعبان ۱۳۲۳ ق / ۲۸ اکتبر ۱۹۰۵ م) به روزنامه ایران تغییر داد و در ادامه و توالی شماره مسلسل روزنامه ایران سلطانی، روزنامه ایران را منتشر کرد و نشر آن تا سال ۱۳۲۶ ق ادامه یافت و در این سال با بمباران مجلس شورای ملی به فرمان محمدعلی شاه و به دست قزاقان روسی که متعاقب آن کلیه نشریات توقیف شدند روزنامه ایران نیز توقیف شد و به عمر شصت و یک ساله مطبوعات دولتی در ایران هم خاتمه داده شد که نشر آن با روزنامه وقایع اتفاقیه شروع شده بود (جمعه پنجم ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ ق) در ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ به پایان آمد.

روزنامه ایران در آغاز به قطع رحلی (نیم ورقی) انتشار می‌یافت و به مرور با قطع بزرگ و شبیه جراید امروزی منتشر شد به همه صورت شکل و هیأت یک روزنامه کامل عیار را یافت. صفحات آن به دقت ستون‌بندی می‌شد و هر ستونی کم و بیش به درج مطالب معین و مشخصی اختصاص یافت و از همه مهمتر، روزنامه‌ای بود که دارای پاورقی بود. در پاورقی این روزنامه آثار ارزنده‌ای انتشار می‌یافت و نخستین شماره آن «تفصیل مسافرت کابیتن [= کاپیتان] اطراس به سمت قطب شمال در سنه ۱۸۶۰ مسیحی» ترجمه محمدحسن خان اعتمادالسلطنه را در برداشت که تا شماره ۱۲۹ ادامه داشت و از شماره ۱۳۰ پاورقی دیگری با عنوان «داستان روبن سون سویسی» شروع شد. پاورقی‌های دیگری همچون «تاریخ سودان»، «تاریخ مراکش» مسمی به کاشف الکرب فی تاریخ العرب»، «تاریخ دولت روس» عمدتاً ترجمه و به قلم اعتمادالسلطنه بود؛ ولی مهمتر از همه این پاورقی‌ها «تاریخ سیستان» بود و این همان تاریخ مشهوری است که بعد مرحوم ملک‌الشعراى بهار آن را دوباره تصحیح و منتشر کرد. و حال از کتابهای مهم تاریخ کشورمان به شمار می‌رود.

روزنامه ایران ارگان رسمی دولت و مشتمل بر اخبار دربار، فرامین شاهی، احکام عزل و نصب، تعیین عناوین و مقامات به ویژه شرح کارهای ناصرالدین شاه و بعدها مظفرالدین شاه از قبیل سلام و بارعام، صید و شکار، عزاداری مذهبی، سیر و سیاحت شاه و نیز کارهای دیگر شاه بود. این روزنامه گاه در تمجید از اعمال شاه و کارهای درباریان و تجلیل از امنیت کشور و ترقیات دولت چنان مبالغه می‌کرد که در معرض انتقاد آزادیخواهان و روزنامه‌های ایرانی منتشره در خارج از کشور قرار می‌گرفت.

با این وجود روزنامه ایران یکی از جراید با ارزش دوره ناصری و مظفری است، اطلاعات تاریخی و جغرافیائی روزنامه فوق‌العاده ارزشمند است چون اعتمادالسلطنه از شخصیت‌هایی است که در فنون مختلف تاریخ و جغرافیا و ادبیات فارسی و اروپائی و زبانشناسی و زباندانی مقامی بلند دارد، و از این رو به اطلاعات تاریخ و جغرافیائی و نشر آن در روزنامه اهمیت می‌داد و هروقت که ناصرالدین شاه به نقطه‌ای از نقاط کشور مسافرت می‌کرد گزارش آن سفر همراه با شرح اوضاع جغرافیائی، وقفنامه‌های اماکن مقدسه مذهبی، کتیبه‌های بجا مانده در بناهای قدیمی در روزنامه درج می‌شد که نمونه آن «سواد فرمان شاه عباس اول صفوی در باب آستانه سهل بن‌علی که ظهر آن را حاتم خان اعتمادالدوله صدراعظم مهر کرده» را در شماره ۷۸۷ و همچنین گزارشی درباره زبانشناسی «بعضی لغات زبان رایجی آشتیان» در شماره ۸۳۹ اهمیت دارد.

اعتمادالسلطنه افزون بر این گاهی متن تلگرافات رؤسای کشورهای مختلف به مناسبت‌های گوناگون - نوروز - به شاه ایران، متن امتیاز نامه‌ها همچون «امتیاز نامچه بانک [شاهنشاهی]» در شماره ۶۷۸ و یا امتیاز «صورت قرار نامه راه عراده رو از قزوین تا اواجق» در شماره ۶۷۹ و «راه آستارا تا اردبیل» در شماره ۶۸۱ و همچنین قانون «بذل مناصب و امتیازات نظامی» در شماره ۸۲۲ در روزنامه ایران درج می‌کرد.

نوشتن این قبیل اطلاعات حتی شاه را نیز به سر شوق می‌آورد تا گاهی مطلبی در روزنامه بنویسد که «جغرافیای بحیره ما بین طهران و قم» در شماره‌های ۶۵۵ و ۶۵۶ همراه با نقشه دریاچه از آن جمله است.

روزنامه ایران از بدو انتشار در چهار صفحه و با چاپ سنگی به چاپ می‌رسید و عمدهٔ مطالب آن «اخبار رسمی دربار همایون»، اخبار غیررسمی ولایات ممالک محروسه «دارالخلافه ناصری، آذربایجان، اصفهان، خراسان و سیستان، فارس، کرمان و بلوچستان، یزد، کرمانشاهان، گیلان، استرآباد و گرگان، کردستان، لرستان و بروجرد، گروس، ساوجبلاغ، بوشهر، کاشان که حکایت از چگونگی تقسیمات کشوری دارد را درج می‌کرد.

نکته جالب توجه آنکه اخبار دربار ناصری به صورت رسمی و اخبار ایالات و ولایات غیر رسمی در روزنامه به چاپ می‌رسید.

نکته قابل توجه دیگر اینکه در این روزنامه اخبار خارجی درج نمی‌شد و بعدها در ۱۲۹۵ هـ. ق. روزنامه اطلاع زیر نظر اعتمادالسلطنه تأسیس و اخبار خارجی و اخبار آزاد در آن روزنامه درج می‌شد.

در مجموع انتشار روزنامه ایران چهار دورهٔ مشخص و معین را سپری کرد. دورهٔ اول که مدیریت روزنامه با محمد حسن خان اعتمادالسلطنه بود (۱۲۸۸ - ۱۳۱۳ ق) دورهٔ دوم که پس از مرگ محمد حسن خان، برادرزاده‌اش محمدباقر خان وارث شغل و منصب و لقب وی شد مدیریت روزنامه نیز با او بود (۱۳۱۳ - ۱۳۲۱ ق).

و دوره سوم که مدیریت آن با ندیم باشی بود که عنوان روزنامه ایران به روزنامه ایران سلطانی تغییر یافت (۱۳۲۱ - ۱۳۲۳ ق). ما در این نوشتار به صورت روزنامه‌ای مستقل بدان پرداخته‌ایم.

دورهٔ چهارم که باز مدیریت آن با محمد باقرخان اعتمادالسلطنه بود که پس از عزل ندیم باشی، او نیز عنوان روزنامه را بار دیگر به ایران تغییر داد و تا شروع استبداد صغیر و به توپ بستن مجلس شورای ملی ادامه داشت. (۱۳۲۳ - ۱۳۲۶ ق).

نکته قابل توجه آنکه در سه سال پایانی حیات روزنامه ایران مطالب آن بکلی متفاوت از نشریات دولتی و رسمی است که از بدو انتشار روزنامه در ایران منتشر می‌شده‌اند. زیرا از سال ۱۳۲۴ ق که کشور ایران از نظر سیاسی دچار بزرگترین تحویل تاریخ خود شد یعنی انقلاب مشروطه، روزنامه ایران نیز از نظر نوع خبر و حجم مطالب از یک دگرگونی عظیم در جامعه ایران حکایت می‌کند و ناگهان مطالبی چون «سواد کتابچه قانون عدالتخانه عامه» در آن چاپ می‌شود و متعاقب آن خبر استعفای صدراعظم و سواد دستخط همایونی دربارهٔ صدارت میرزا نصرالله خان مشیرالدوله - نخستین صدراعظم مشروطه - به چاپ می‌رسد، و اخباری همچون خبر از تشکیل «مجلس محترم شورای ملی» و از سواد فرمان آن، اساسنامه انتخابات مجلس شورای ملی، افتتاح مجلس، وکلا و مبعوثان مجلس و سواد نظامنامه دارالشورای ملی. و همه این اخبار حکایت از دگرگونی عظیم در جامعه ایران دارد.

(باز چاپ در پنج مجلد به همت کتابخانه ملی ایران با مقدمه شادروان دکتر عبدالحسین نوائی).

دومین نشریه مصور به مدیریت محمدحسن خان صنیع‌الدوله (اعتمادالسلطنه بعد) که نخستین شماره آن غره محرم ۱۳۰۰ هـ. ق. منتشر شد. از شرف در طول حیات ده ساله مجموعاً ۸۷ شماره نشر یافته که فقط سال اول و چهارم بطور منظم و مرتب منتشر شده است چرا که در آغاز قرار بود ماهی یک شماره از آن نشر یابد اما سال دوم ۱۱ شماره و سال‌های بعد بین ۳ الی ۹ شماره از شرف نشر یافته است.

چنانکه متذکر شد روزنامه شرف مصور بوده و هر شماره که چهار صفحه رحلی بوده، دو تصویر در آن به چاپ می‌رسیده، نقاش تصاویر روزنامه شرف میرزا ابوتراب خان غفاری کاشانی بود و جمعاً ۱۵۵ تصویر که نیمی از آنها امضای ابوتراب خان را دارد در نشریه چاپ شده است. پس از مرگ او (۱۳۰۷ هـ. ق) تصویرسازی و کارهای نقاشی روزنامه شرف از طرف مدیر روزنامه به میرزا موسی خان از دانش‌آموختگان دارالفنون محول گردید و جمعاً ۲۹ تصویر به امضای او در روزنامه شرف به چاپ رسیده است.

همچنین از میرزا اسدالله نقاش نیز به عنوان تصویرسازی روزنامه شرف نام برده شده است.

کاتب روزنامه شرف خطاط مشهور دوره ناصری، میرزا محمدرضا کلهر بود که مطالب روزنامه را به خط نستعلیق پخته و زیبایی کتابت می‌کرد تا به چاپ سنگی برسد، گاهی میرزا زین‌العابدین ملک الخطاطین که از شاگردان برجسته کلهر بود در کار کتابت به استاد کمک می‌کرده است. مطالب روزنامه شرف شرح حال رجال ایران و کشورهای دیگر بود که معمولاً تصویر آنها نیز در روزنامه به چاپ می‌رسید، و از شماره دوم افزون بر شرح حال رجال ایرانی و غیرایرانی، روزنامه سفر ناصرالدین شاه به نمارستاق و از شماره ۳۱ «تاریخ انتزاع ممالک محروسه ایران از تحت سلطنت عرب» و گاه مطالبی درباره یک بنای تاریخی (برج طغرل، ش ۲۹)؛ تکیه دولت (ش ۵۳) و ... به چاپ می‌رسید.

آخرین شماره روزنامه شرف «نمره هشتاد و هفتم» به تاریخ ۱۳۰۹ هـ. ق. بود که دیگر شماره‌ای از آن به چاپ نرسید.

روزنامه شرف در ۴ صفحه قطع رحلی و گاه با چند صفحه اضافی چاپ می‌شد در ذیل صفحه آخر هر شماره نام «محمدحسن» ملاحظه می‌شود که حکایت از رؤیت و تأیید محمدحسن خان اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات دارد. (باز چاپ با مقدمه آقای جواد صفی‌نژاد توسط انتشارات یساولی)



فره‌آول

غره محرم ۱۳۰۰

این روزنامه شریفه‌ای یک فرجه بطبع میرسد

قیمت نسخیه لقمه‌ان پهلایانه یک تومان و دوازده سکه



۹- شرافت

پس از آنکه روزنامه شرف در ۱۳۰۹ هـ. ق. تعطیل شد، نخستین شماره شرافت به مدیریت محمدباقر اعتمادالسلطنه برادرزاده محمد حسن خان اعتمادالسلطنه (متوفی ۳۱۳ هـ. ق.) در شهر صفر ۱۳۱۴ هـ. ق. در ۸ صفحه منتشر شد. این روزنامه به تقلید از روزنامه شرف مصور بود و همانند همان روزنامه به شرح حال رجال ایران و غیر ایران می‌پرداخت، با این تفاوت که شرح حالی از رجال اساطیری ایران را از شماره اول تا شماره ۳۷ را در بردارد.

از روزنامه شرافت در طول حیات هشت ساله مجموعاً ۶۶ شماره نشر یافته و نخستین شماره آن مصور به تصویری از مظفرالدین شاه قاجار بود، گرچه در آغاز قرار بود که ماهی یک شماره از نشریه منتشر شود، به جز سال دوم و چهارم در بقیه سال‌ها بطور نامرتب نشر یافته تا جایی که در سال‌های هفتم و هشتم هر سال فقط یک شماره از روزنامه چاپ و منتشر شده است. کتابت روزنامه بر عهده میرزا زین‌العابدین ملک الخطاطین بوده که در امر کتابت روزنامه شرف کمک میرزا محمدرضای کلهر بود. وی نیز روزنامه را به خط نستعلیق خوش و خوانا کتابت می‌کرد.

تصویر سازی روزنامه با میرزا مهدی‌خان مصورالملک نقاش بود که از اولین شماره تا آخرین شماره مجموعاً ۶۶ تصویر زیبا از مصور الملک در آن چاپ شده است.

تصاویر روزنامه شرف و شرافت هر دو بسیار مهم بوده و مجموعاً ۲۵۰ نقاشی هنرمندانه از سه هنرمند مشهور دوره قاجار در آنها چاپ شده: ۱. میرزا ابوتراب غفاری نقاش (عموی کمال‌الملک نقاش مشهور قاجاریه) جمعاً ۱۵۵ نقاشی؛ میرزا موسی نقاش ۲۹ نقاشی و میرزا مهدی‌خان مصورالملک جمعاً ۶۶ نقاشی که از این میان ۱۷۴ تصویر متعلق به رجال ایران؛ ۴۹ تصویر رجال غیرایرانی و ۲۷ تصویر متعلق به اماکن مختلف بوده است. (باز چاپ همراه روزنامه شرف)

شهر رمضان ۱۳۱۴



نمره اول

این روزنامه شیرین و نامی غیر مطبع میرد
قیمت نیمه قیران سالیانه یک تومان و دو هزار



مآل عظیم المآل علیحضرت آید پس یون مآه مظفرالدین شاه خاندان سلطانی

۱۰- روزنامه ایران سلطانی

روزنامه وقایع اتفاقیه که در روز جمعه پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۷ ق شروع به فعالیت کرد در تاریخ ۵ صفر ۱۲۷۷ به روزنامه دولت علیه ایران تغییر نام داد و سپس در تاریخ سوم جمادی الاول ۱۲۸۳ به روزنامه دولتی تغییر نام یافت و بار دیگر در تاریخ دوم ذی القعدة الحرام ۱۲۸۶ به روزنامه دولت علیه ایران تغییر نام یافت تا بالاخره از محرم ۱۲۸۸ روزنامه ایران جایگزین روزنامه‌های نامبرده شد.

روزنامه ایران از ۱۲۸۸ ق به مدیریت محمدحسن خان اعتمادالسلطنه تا سال ۱۳۱۳ سال وفات وی قریب ۲۶ سال و پس از مرگ او مدیریت روزنامه به برادرزاده‌اش محمدباقر خان اعتمادالسلطنه واگذار شد که وارث شغل و لقب محمدحسن خان بود. او نیز از سال ۱۳۱۳ تا پایان سال ۱۳۲۰ و سپس در ۲۸ شعبان ۱۳۲۳ تا سال ۱۳۲۶ (بمباران مجلس توسط محمدعلی شاه) به نشر روزنامه ایران پرداخت.

در اواخر سال ۱۳۲۰ یعنی در نوروز مدیریت روزنامه ایران به میرزا محمد ندیم باشی واگذار شد. او اول سال نو نخستین شماره از نشریه را با عنوان «روزنامه ایران سلطانی» به تاریخ شنبه غرة محرم الحرام سنه ۱۳۲۱ ق / ۳۱ مارس ۱۹۰۳ م. منتشر کرد. با تغییر مدیریت روزنامه افزون بر تغییر عنوان روزنامه از «ایران» به «روزنامه ایران سلطانی» قطع آن نیز تغییر کرده و از قطع بسیار بزرگ (۳۵ × ۵۰) به قطع بزرگ (۱۸ × ۲۵) تبدیل شد و تعداد صفحات روزنامه نیز از ۴ صفحه به ۸ صفحه افزایش یافت. در نخستین شماره از روزنامه، ندیم‌باشی می‌نویسد:

«روزنامه ایران تا دیروز که آخر سنه هزار و سیصد و بیست هجری بود به شکلی دیگر به معرض ظهور می‌رسید، امروز که به امر سلطانی من مدیر روزنامه ایرانم آن را به شکل دیگر از شرق خیال طالع ساخته روزنامه این هفته ایران با هفته پیش به صورت مختلف است ولی در معنی شکل واحد دارد. قصد این روزنامه و روزنامه سابق نشر تمدن و استحکام سیاست است، آسایش عباد و آرایش بلاد را خواهانند».

ندیم‌باشی در حقیقت این تغییر را صوری دانسته، همچنانکه ممکن است صدراعظم تغییر یابد و یا وزیری؛ ولی سیاست همان است که بود.

به درستی که «روزنامه ایران سلطانی» دنباله رو سیاست روزنامه «ایران» بود و گاهی بر اخبار رسمی که شامل: اخبار دربار همایون، اخبار غیردرباری، اخبار ایالات و ولایات، خلاصه اخبار خارجه و یا اخبار درباری، امتیازات، اخبار دارالخلافه یعنی شهر تهران و ایالات و ولایات، حکام ولایات و انتصابات و گزارش سفرهای شاهانه را در بر می‌گرفت، در بعضی از شماره‌ها مطالب جدید، همچون: احداث رویانیدن چای در ایران (شماره ۲)؛ تاریخ نادرشاه اثر جیمز فریزر انگلیسی ترجمه ابوالقاسم خان ناصرالملک والی به صورت پاورقی (از ش ۶) تا سال چهارم انتشار روزنامه، صورت جمع و خرج مدرسه سیاسی (ش ۹) بدان افزوده می‌شد. روزنامه ایران سلطانی دو سال و نیم به حیات خود ادامه داد و در سال اول ۲۶ شماره در سال دوم ۲۴ شماره و در سال سوم ۱۵ شماره انتشار یافت و از شماره ۱۶ (۲۸ شعبان ۱۳۲۳ ق بار دیگر عنوان روزنامه به ایران تغییر نام یافت و علت تغییر نام مجدد عزل میرزا محمد ندیم باشی از مدیریت روزنامه و انتصاب مجدد محمدباقر خان اعتمادالسلطنه به مدیریت روزنامه بود و اعتمادالسلطنه ۱۱ شماره با عنوان روزنامه ایران در ادامه و توالی روزنامه ایران سلطانی انتشار داد.

سال ۱۲۷۸ ق مبدأ تاریخ روزنامه‌نگاری دولتی با شروع فعالیت روزنامه رسمی دولت ایران بود که با وقایع اتفاقیه شروع به فعالیت کرد بنابراین سال اول فعالیت روزنامه ایران سلطانی مصادف پنجاه و ششمین سال حیات روزنامه رسمی دولت بود و سال دوم یعنی پنجاه و هفتمین و سال سوم مصادف با پنجاه و هشتمین سال فعالیت بود، از این رو در سرلوح روزنامه افزون بر شماره مسلسل هر شماره، سال انتشار روزنامه رسمی دولتی نیز مندرج بود.

روزنامه ایران سلطانی با همه تغییر صوری در عمل دنباله روزنامه «ایران» بوده که توسط محمدحسن خان اعتمادالسلطنه و محمد باقر خان اعتمادالسلطنه منتشر می‌شد و حاوی اخباری است که از طرف دولت، مسئولین روزنامه مجاز به انتشار آن بودند، نه بیش از آن. اگر جسته گریخته مطالبی ورای اخبار رسمی در روزنامه چاپ می‌شد، همانهایی است که به عنوان نمونه از آن یاد شد. اهمیت ویژه این نشریه از نظر تاریخ اقتصادی، ساختار دیوانی و دولتی و انتصاب است که خبر آن در هر شماره از روزنامه درج می‌شد.

روزنامه ایران سلطانی از آغاز فعالیت خود برخلاف روزنامه‌های پیشین که بصورت چاپ سنگی به چاپ می‌رسید با حروف سربی چاپ می‌شد و تمامی شماره‌های آن در هر صفحه دو ستونه بود.

(باز چاپ توسط کتابخانه ملی ایران با مقدمه جمشید کیان‌فر)

چنانکه متذکر شد در واقعه استبداد صغیر و بمباران مجلس شورای ملی روزنامه‌های دولتی و خصوصی توقیف شدند و روزنامه ایران نیز به سرنوشت دیگر روزنامه‌ها پیوست و در حقیقت با توقیف روزنامه حیات روزنامه‌های دولتی در عصر قاجار به پایان رسید. گرچه روزنامه‌هایی چون اطلاع هم در این مجموعه بررسی نشد، اما این بررسی بیشتر به معرفی نشریات یاد شده اختصاص داشت و بررسی محتوایی و ارزش مطالب هریک نیاز به وقت دیگر دارد همچون: روزنامه‌های منتشره دولتی در شهرستانها و روزنامه‌های منتشره در سفرها و همچنین روزنامه‌های منتشره در خارج ایران. امید است در فرصتی دیگر به معرفی آنها پرداخته شود.



روزنامه ابستان

صاحب امتیاز ندیم السلطان وزیر انطباعات

و دارالتالیف و دارالترجمة هایونی

سه شنبه غره محرم الحرام سنه ۱۳۲۱ هجری

توشقان نیل ترکی

۳۱ مارس ماه فرانسه سنه ۱۹۰۳ مسیحی

محل اداره انطباعات و مجلس دارالتالیف

و دارالترجمة هایونی سر در عالی قاپی و

عمارت کرمخانی است

—*—

دیر روزنامه افضل الملك مستوفی دیوان اعلی

از روزنامه ایران و اطلاع در هر سه شنبه

یک نمره توزیع میشود

قیمت روزنامه در طهران سه تومان و شش هزار

باضمام روزنامه اطلاع - در ولایات ایران

سه تومان و هشت هزار و پانصد دینار - در تمام

ممالک خارجه چهار تومان - قیمت اعلانات

سطری یک قران است

—*—

این روزنامه سلطانی که بامر و توجه بندگان اعلی حضرت اقدس هایونی مخصوص است بکلی از تنقید آزاد است هر چه بنگارد از روی صحت است در باره سلاطین و شاهزادگان و وزرا و غیرهم عناوین متکاثره نمی نگارد هر کس لایحه که مفید بحال دولت و ملت باشد باین وزارتخانه بفرستد پذیرفته خواهد شد مکاتبی که در روزنامه درج نمی شود بصاحبانش رد نخواهد شد • این روزنامه از وقایع ایام سلطنتی و مطالب دولتی و کارهای درباری و حکام ولایات ایران و فواید عامه و امور تجاری و تاریخ و زعمانی عالم سخن میراند (*)

—*— (فهرست مندرجات) —*—

شرح تغییر روزنامه - اخبار درباری - امتیازات - دارالخلافه
طهران - خراسان - قوجان - اعلام مجلس آکادمی - حکام
ولایات ایران - تعرفه گمرکات ایران

هر لحظه بشکل دگر آن یار برآمد دل بردو نهان شد

نقد قدم از مخزن اسرار برآمد خود گنج عیان شد

روزنامه ایران تا دیروز که آخر سنه هزار و سیصد و بیست هجری بود بشکلی دیگر بمعرض ظهور میرسد امروز که بامر سلطانی من مدیر روزنامه ایرانم آرا بشکلی دیگر از مشرق خیال طالع ساختم روزنامه این هفته ایران با هفته پیش بصورت مختلف است ولی در معنی شکل واحد دارند قصد این روزنامه و روزنامه سابق نشر تمدن و استحکام سیاست است آسایش عباد و آرایش بلاد را خواهند ترویج ملت و ترقی دولت را بپایند پس اگر بصورت مختلف برآمدند در معنی مؤلف هستند (عبارت ناشی و حسنک واحد) روز

نامه امر و زاریان با دیروز بصورت مختلف شد ولی در معنی فرقی ندارند چنانکه گاهی خود مملکت ایران هم بصورت ظاهره اختلافی با سنوات قبل خود داشته ولی باز در معنی دم از استقلال زده سوانح جزئیة روزگار ایران را از عظمت اصلی خود بیرون نبرده باز استبداد و استقلال داشته است چنانکه وقتی افراسیاب بایران لطمات زد و صدمات وارد آورد آخر الامر مهت و اقدام ایرانیان او را از پای انداخت و بشکنج ورنج پامالش ساخت

و چندی اسکندر مقدونی به سر قلیب ایران را مسخر خود ساخت و دارا را نادار کرد و بعد از اسکندر طایفه سلوکید که خلفا او بودند تا صد سال بطور ملوک الطوائف در ایران ریاست ها کردند ولی باز ایرانیان از بیعت و حمیت تاب نیاورده جنبشی کردند و آنانرا از پادار آوردند و باستقلال سلطنت کردند و نگذاشتند که ایران در تحت تبعیت خارجیان باشد

از این دو حادثه سخت تر حادثه عرب بر عجم بود که عرب باستقلال

